

زیارت امام حسین علیه السلام در سیره معصومان علیهم السلام

| | |
|----|--|
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | حضرت رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم |
| ۴ | امام امیر المؤمنین علیه السلام |
| ۵ | حضرت فاطمه سلام الله علیها |
| ۸ | امام حسن علیه السلام |
| ۱۱ | امام حسین علیه السلام |
| ۱۲ | امام سجاد علیه السلام |
| ۱۳ | امام باقر علیه السلام |
| ۱۵ | امام صادق علیه السلام |
| ۳۲ | امام کاظم علیه السلام |
| ۳۴ | امام رضا علیه السلام |
| ۳۵ | امام هادی علیه السلام |
| ۳۶ | امام حسن عسکری علیه السلام |
| ۳۷ | امام زمان علیه السلام |
| ۴۳ | نتیجه |

از جمله مواردی که بسیار در روایات بر آن تاکید شده است، زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد، در این باره، اهل بیت علیهم السلام به سفارش و تشویق مردم به صورت زبانی اکتفا ننموده و خود نیز هر وقت فرصت را مهیا دیده اند به زیارت آن حضرت رفته و به صورت عملی نیز اهمیت زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام را برای مردم بیان نموده اند، که در این باره روایاتی با مضامین بسیار عالی نقل شده تا جایی که بعضی از این ذوات مقدسه برای شفای بیماری خودشان کسی را به زیارت قبر مبارک حضرت اباعبدالله علیه السلام فرستاده تا برای شفای بیماری آنها دعا کند، و نیز بعضی از امامان علیهم السلام در مورد زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام به گونه ی سخن گفتند که بعضی از علمای بزرگوار شیعه از آن، وجوب زیارت آن حضرت را فهمیدند.

روایت های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام در باب زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام به صورت یک سان نبوده، و با توجه به شرایطی که حضرات در آن به سر می بردند، مختلف می باشند، به صورتی که با مراجعه به کتاب های حدیثی شیعه، می بینیم بعضی از معصومان علیهم السلام از آنها روایت های زیادی در این باب نقل شده، ولی از بعضی دیگر، کمتر به چشم می خورد، ولی این قضیه دلیل بر کم بودن روایت در این باب نمی باشد، زیرا تعداد روایت موجود در این باب، بسیار زیاد می باشد که به جرأت می توان گفت از حد تواتر نیز گذشته است

در این مقاله سعی شده که زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام در سیره معصومان علیهم السلام- به ترتیب- به صورت مختصر بررسی شود.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم

پاره ی از روایات در کتاب های حدیثی شیعه به سفارش پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرداخته است که می شود از این روایات، اهمیت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را به خوبی فهمید.

حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى التَّلْعَكَبَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْعَدَوِيُّ النَّضْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُنْذِرِ الْمَكِّيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ الْهَيْثَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْأَجْلَحُ الْكِنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَفْلَحُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ عَنْ طَاوُسِ الْيَمَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ الْحَسَنُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ الْحُسَيْنُ عَلَى فَخِذِهِ يَلْتَمُهُمَا وَ يُقْبَلُهُمَا وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَ عَادِ مَا [مَنْ] عَادَاهُمَا ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسِ كَأَنِّي بِهِ وَ قَدْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِهِ يَدْعُو فَلَا يُجَابُ وَ يَسْتَنْصِرُ فَلَا يُنْصَرُ قُلْتُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ شِرَارُ أُمَّتِي مَا لَهُمْ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسِ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ ثَوَابُ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ أَلَا وَ مَنْ زَارَهُ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي

وَ مَنْ زَارَنِي فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهُ وَ حَقُّ الزَّائِرِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ

خزاز رازی، علی بن محمد، الوفاة : القرن الرابع، كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، محقق: حسینی

کوهکمری، عبد اللطیف، ناشر: بیدار ۱۴۰۱ ق

عبد الله بن عباس می گوید: بر پیغمبر اکرم «صلى الله عليه و اله وسلم» وارد شدم در حالی که حسن «علیه السلام» بر شانه اش و حسین «علیه السلام» بر زانوی او بود و آنها را می بوسید و می فرمود: پروردگارا دوست بدار کسی که ایشان را دوست دارد و وباکسی که با آنها دشمنی می کند دشمن باش، سپس فرمود: ای فرزند عباس! گویا او را می بینم (مقصود ابا عبد الله الحسین «علیه السلام» است) که محاسنش از خون رنگین شده و مردم را می خواند ولی کسی اجابتش نمی کند، و آنان را به یاری می طلبد و او را یاری نمی کنند؛ عرض کردم: چه کسانی آن حضرت را یاری نمی کنند؟ فرمود: اشرار (و بدان) امّتم، آنها را چه شده؟ خداوند شفاعت مرا به

آنان نرساند، ای پسر عباس هر که او را با معرفت به حَقِّش زیارت کند برای او ثواب هزار حج و هزار عمره نوشته می شود، و هر که او را زیارت کند، مرا زیارت کرده و هر که مرا زیارت کند، گویا خدا را زیارت کرده، و حق زائر بر خدا این است که خداوند آن را با آتش عذاب ندهد.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام

روایت بسیار جالبی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زیارت اباعبدالله علیه السلام نقل شده است که امام علیه السلام از نرفتن به زیارت امام حسین علیه السلام تعبیر به جفا می کند که این خود حاکی از اهمیت زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام می باشد

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي عُمَرَ الْجَلَّابِ عَنِ الْخَزْثِ [الْحَارِثِ] الْأَعْوَرِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَبِي وَ أُمِّي الْحُسَيْنِ الْمَقْتُولِ يَظْهَرُ الْكُوفَةَ وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْوَحْشِ مَادَّةَ أَعْنَاقِهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوَحْشِ يَبْكُونَهُ وَ يَزْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَيَّاكُمْ وَ الْجَفَاءَ.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۲۹۱، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت علی «علیه السلام» فرمودند: حسین در پشت کوفه کشته خواهد شد، به خدا قسم گویا می بینم که وحوش گردنهای خود را بر قبرش کشیده و بر او می گریند و از شب تا صبح بر او مرثیه می خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسانها از جفاء به او بر حذر باشید.

حضرت فاطمه سلام الله عليها

زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام از نگاه حضرت صدیقه ی کبری سلام الله عليها به قدری حائز اهمیت می باشد که خود حضرت سلام الله عليها در کنار قبر مبارک ابا عبدالله علیه السلام حاضر می شود و برای زائرین آن حضرت استغفار می نماید و حتی در بعضی از منابع اهل سنت نقل شده است که ایشان در عالم رؤیا به بعضی از علمای اهل سنت دستور می دهند که برخی از مداحان برای امام حسین علیه السلام روضه بخوانند. در هر یک از دو موضوع بالا به ذکر یک روایت بسنده می کنیم.

روایت اول

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَائِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَخْضَرُ لِرُؤَايِ قَبْرِ ابْنَتِهَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَسْتَغْفِرُ

لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ

امام با ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۱۸، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ

اول، ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام صادق «علیه السلام» فرمودند: حضرت فاطمه «علیها السلام» دختر حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» برای زوار قبر فرزندش حضرت حسین بن علی «علیهما السلام» حاضر شده و برای گناهان آنها طلب آمرزش می کند.

روایت دوم

در منابع اهل سنت با سند صحیح نقل شده است که حضرت زهرا سلام الله عليها به خواب عالم اهل سنت می آیند و می فرمایند کربلا بروید

أنبأنا أحمد بن أزهر بن السباك قال أخبرنا أبو بكر محمد بن عبد الباقي الأنصاري في كتابه عن أبي القاسم علي بن المحسن التنوخي عن أبيه أبي علي قال حدثني أبي قال خرج إلينا أبو الحسن الكرخي يوما فقال تعرفون ببغداد رجلا يقال له ابن أصدق فلم يعرفه من أهل المجلس غيري وقلت أعرفه فكيف سألت عنه قال أي شيء يعمل قالت ينوح على ابن علي عليهما السلام قال فبكى أبو الحسن وقال عندي عجوز تزينني من أهل كرخ جدان يغلب على لسانها النبطية ولا يمكنها أن تقيم كلمة عربية فضلا عن أن تحفظ شعرا وهي من صوالح النساء وتكثر من الصلاة والصوم والتهجد وانتبهت البارحة في جوف الليل ومنامها قريب من منامي فصاحت أبو الحسن أبو الحسن قلت ما لك قالت إحقني فجنيتها ووجدتها ترعد وقلت ما أصابك قالت رأيت في منامي وقد صليت وردي ونمت كأني في درب من دروب الكرخ فيه حجرة محمرة بالساج مبيضة بالأسفيداج مفتوحة الباب وعليه نساء وقوف فقلت لهم ما الخبر فأشاروا إلى داخل الدار وإذا امرأة شابة حسناء بارعة الجمال والكمال وعليها ثياب بياض مروية من فوقها إزار شديد البياض قد التفت به وفي حجرها رأس يشخب دما ففزعت وقالت لا عليك أنا فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم وهذا رأس الحسين صلوات الله على الجماعة فقولي لابن أصدق حتى ينوح

لم أمرضه فأسلو لا ولا كان مريضا

وانتبهت مذعورة

قال أبو الحسن وقالت العجوز (أمرضه) بالطاء لأنها لا تتمكن من إقامة الضاد فسكنت منها إلى أن عاودت نومها وقال أبو القاسم ثم قال لي مع معرفتك بالرجل فقد حملتك الأمانة في هذه الرسالة فقلت سمعا وطاعة لأمر سيدة النساء رضوان الله تعالى عليها قال وكان هذا في شعبان والناس في إذ ذاك يلقون أذى شديدا وجهدا جهيدا من الحنابلة وإذا أرادوا زيارة المشهد بالحائر خرجوا على استتار ومخافة فلم أزل أتلف في الخروج حتى تمكنت منه وحصلت في الحائر ليلة النصف من شعبان وسألت عن أصدق فدللت عليه ودعوته وحضرتني فقلت له إن فاطمة عليها السلام تأمرك أن تنوح بالقصيدة التي فيها

لم أمرضه فأسلوا لا ولا كان مريضا

فانزعج من ذلك وقصصت عليه وعلى من كان معه عندي الحديث فأجهشوا بالبكاء وناح بذلك طول ليلته وأول

القصيدة أيها العينان فيضا واستهلا لا تغيضا

كمال الدين عمر بن أحمد بن أبي جرادة الوفاة: ٦٦٠ ، بغية الطلب في تاريخ حلب ج ٦ ص ٢٦٥٥، دار النشر :

دار الفكر ، تحقيق : د. سهيل زكار

پدرم برایم نقل کرد که روزی ابوالحسن کاتب (کرخی) بر ما وارد شد و گفت آیا در بغداد فردی به نام ابن اصدق می شناسید؟ در آن جلسه کسی غیر از من او را نمی شناخت، گفتم من او را می شناسم چه شده که پیرامون او پرس و جو می کنی؟ ابوالحسن گفت : ابن اصدق چه کاری انجام می دهد؟ گفتم برای (امام) حسین «علیه السلام» نوحه خوانی می کند. در این هنگام ابوالحسن کرخی گریه کرد و گفت نزد من پیره زنی است که پرورش من از کودکی به عهده او بوده ، وی از اهالی کرخ جدان است و زبانش از سخن گفتن با زبان عربی ناتوان است و نمی تواند يك کلمه عربی را به درستی بیان کند چه رسد به اینکه بخواهد شعری روایت کند ... نیمه های شب بیدار شد، محل خوابش نزدیک به محل خواب من است، فریاد زد ای ابوالحسن به نزد من بیا! گفتم چه شده؟ پیش او رفتم دیدم می لرزد، گفتم چه اتفاقی برای افتاده؟ گفت در خواب دیدم گویا در مقابل یکی از دوازه های کرخ هستم، اتاق تمیزی را دیدم که (دیوارهایش) سفید و اندکی قرمز بود، درب آن باز بود و زنان دم درب ایستاده بودند، به آنها گفتم چه کسی از دنیا رفته ؟ چه خبر است؟ آنها به داخل اتاق اشاره کردند، وارد شدم دیدم اتفاقی در نهایت زیبایی است و در وسط آن بانویی جوان هستند که نیکو تر و زیباتر از ایشان ندیده بودم، لباس زیبایی سفید رنگی که بلند بود به تن داشت و روی آن نیز روپوشی (شنل) که فوق العاده سفید رنگ، پوشیده بود، در دامانش سر بریده ای بود که خون از آن می جوشید. عرضه داشتم شما چه کسی هستید؟ فرمود با تو کاری ندارم، من فاطمه دختر رسول خدا هستم و این سر فرزندم حسین «لیه السلام» است؛ از طرف من به ابن اصدق بگو این شعر را به عنوان نوحه (برای حسینم) بخواند فرزند من مریض نبود (بر اثر بیماری از دنیا نرفت) این را سؤال کنید و قبل از این واقعه نیز بیمار نبود. ابوالحسن به من گفت ای ابوالقاسم حال که ابن اصدق را می شناسی، امانتداری کن و این خبر را به ابن اصدق برسان؛ من گفتم به خاطر امر سرور بانوان (به

روي چشم) اطاعت مي كنم. ابوالقاسم تنوخي در ادامه مي گويد: اين داستان در ماه شعبان بود ، مردم زماني كه مي خواستند به زيارت امام حسين «عليه السلام» بروند از حنبلي ها به شدت آزار ميديدند ، من آنقدر تلاش كردم كه بالاخره توانستم خودم را در شب نيمه شعبان به حائر حسيني برسانم. جويابي ابن اصدق شدم تا اينكه او را ديدم. به او گفتم حضرت فاطمه «سلام الله عليها» به تو امر نموده اند كه قصيده اي را كه در آن بيت مذكور را به عنوان نوحه (براي امام حسين «عليه السلام») بخواني:

به ابن اصدق گفتم من قبل از اين ماجرا اين قصيده را بلد نبودم. حال ابن اصدق دگرگون شد. قصيه خواب را براي او و حاضران در جلسه به طور كامل نقل كردم، همگي به شدت گريه كردند و تمام شب با همين قصيده نوحه سرايي كردند. اول اين قصيده اين بيت است:

اي دو چشم اشك بباريد و به شدت گريه كنيد و خشك نشويد.

ابن العديم مي نويسد: ابو الحسن كرخي از بزرگترين اصحاب ابوحنيفه است.

يافعي در باره ابوالقاسم تنوخي مي نويسد:

ابو القاسم علي بن محمد تنوخي، از قاضيان حنفي مذهب و از تيزهوشان دنيا بود ، روايتگر اشعار بود و به علم كلام و علم نحو مسلط بود و ديوان شعرنيز داشت

امام حسن عليه السلام

در بعضی از نقلها نیز، به اهتمام امام حسن عليه السلام به زيارت حضرت ابا عبدالله عليه السلام به همراه اهل بيت عليهم السلام اشاره شده است.

وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ: كُنْتُ نَازِلًا بِالْكُوفَةِ وَ كَانَ لِي جَارٌ كَثِيرًا مَا كُنْتُ أَفْعُدُ إِلَيْهِ وَ كَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَقُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ، فَقَالَ لِي: بِدْعَةٌ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ، فَقُمْتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ أَنَا مُمْتَلِئٌ غَيْظًا وَ قُلْتُ: إِذَا كَانَ السَّحَرُ أَتَيْتُهُ فَحَدَّثْتُهُ مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَسْحَنُ اللَّهُ بِهِ عَيْنَيْهِ قَالَ: فَأَتَيْتُهُ وَ قَرَعْتُ عَلَيْهِ الْبَابَ، فَإِذَا أَنَا بِصَوْتٍ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ إِنَّهُ قَدْ قَصَدَ الزِّيَارَةَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ، فَخَرَجْتُ مُسْرِعًا فَأَتَيْتُ الْحَيْرَ،

فَإِذَا أَنَا بِالشَّيْخِ سَاجِدًا لَا يَمَلُّ مِنَ السُّجُودِ وَ الرُّكُوعِ، فَقُلْتُ لَهُ: بِالْأَمْسِ تَقُولُ لِي بِدَعَّةٍ وَ كُلُّ بِدَعَّةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ وَ الْيَوْمَ تَزُورُهُ، فَقَالَ لِي: يَا سُلَيْمَانُ لَا تَلْمُنِي فَإِنِّي مَا كُنْتُ أَثْبِتُ لِأَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ إِمَامَةً حَتَّى كَانَتْ لِيَلْتِي هَذِهِ فَرَأَيْتُ رُؤْيَا أَرَعَبْتَنِي فَقُلْتُ: مَا رَأَيْتُ! أَيُّهَا الشَّيْخُ. قَالَ: رَأَيْتُ رَجُلًا لَا بِالطَّوِيلِ الشَّاهِقِ وَ لَا بِالْقَصِيرِ اللَّاصِقِ، لَا أَحْسِنُ أَصْفُهُ مِنْ حُسْنِهِ وَ بَهَائِهِ، مَعَهُ أَقْوَامٌ يَحْفُونَ بِهِ حَفِيفًا وَ يَزْفُونَهُ زَفًا، بَيْنَ يَدَيْهِ فَارِشٌ عَلَى فَرَسٍ لَهُ ذُنُوبٌ، عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ، لِلتَّاجِ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٍ، فِي كُلِّ رُكْنٍ جَوْهَرَةٌ تُضِيءُ مَسِيرَةَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا، فَقَالُوا: مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: وَ الْآخِرُ، فَقَالُوا: وَصِيَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ مَدَدْتُ عَيْنِي فَإِذَا أَنَا بِنَاقَةٍ مِنْ نُورٍ عَلَيْهَا هُودَجٌ مِنْ نُورٍ تَطِيرُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، فَقُلْتُ: لِمَنِ النَّاقَةُ، قَالُوا:

لِحَدِيدَةَ بِنْتِ حُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، قُلْتُ: وَ الْغَلَامُ، قَالُوا: الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، قُلْتُ: فَأَيْنَ يُرِيدُونَ، قَالُوا: يَمْضُونَ

بِأَجْمَعِهِمْ إِلَى زِيَارَةِ الْمَقْتُولِ ظُلْمًا الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، ثُمَّ قَصَدْتُ الْهُودَجَ وَ إِذَا أَنَا بِرِقَاعٍ تَسَاقَطَ مِنْ

السَّمَاءِ أَمَانًا مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ لِرُؤَاغِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، ثُمَّ هَتَفَ بِنَا هَاتِفًا: أَلَا إِنَّنَا وَ شِيعَتُنَا فِي الدَّرَجَةِ

الْعُلْيَا مِنَ الْجَنَّةِ، وَ اللَّهُ يَا سُلَيْمَانُ لَا أَفَارِقُ هَذَا الْمَكَانَ حَتَّى يُفَارِقَ رُوحِي جَسَدِي

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، الوفاة: ٦١٠ ق، المزار الكبير ج ١ ص ٣٣٠، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، چاپ اول،

ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٩ ق

سليمان اعمش می گوید: من در کوفه بودم. همسایه ای داشتم که نزد او می نشستم. یک شب جمعه نزد او رفتم

و گفتم: در باره زیارت حسین «علیه السلام» چه عقیده ای داری؟ گفت: بدعت است. هر بدعتی گمراهی و هر

شخص گمراهی اهل جهنم خواهد بود. اعمش می گوید: من در حالی که نسبت به او خشمناک بودم برخاستم و

با خودم گفتم: من در وقت سحر نزد او می روم و مقداری از فضائل و مناقب امام حسین «علیه السلام» را

برایش شرح می دهم. اگر دیدم در عناد خود اصرار دارد او را بقتل می رسانم. وقتی هنگام سحر فرا رسید

متوجه آن همسایه شدم و در را زدم و نام او را صدا زدم. ناگاه شنیدم خانمش می گوید: شوهرم از اول شب به

قصد زیارت حسین رفته موقعی که من به دنبال او متوجه قبر مقدس امام حسین شدم دیدم: وی در حال:

سجده، دعا، گریه، توبه و استغفار است! بعدا سر خود را برداشت و مرا نزدیک خود دید. من به او گفتم: ای مرد

بزرگ تو دیروز می گفتم زیارت حسین بدعت و هر بدعتی گمراهی و هر شخص گمراهی در دوزخ خواهد بود. ولی امروز آمده‌ای و آن را زیارت می کنی؟! او گفت: ای سلیمان! مرا ملامت مکن. زیرا معتقد به امامت اهل بیت رسول خدا نبودم تا اینکه دیشب فرا رسید و خوابی دیدم که مرا دچار هول و ترس کرد. گفتم: چه خوابی دیدی؟! گفت: مرد جلیل القدری را دیدم که زیاد بلند بالا و کوتاه قامت نبود. من این قدرت را ندارم که عظمت جلال و جمال و بهاء و کمال او را شرح دهم. او با گروه‌هایی بود که در اطرافش بودند و وی را به سرعت می‌آوردند. در جلو او سواری بود که تاجی بر سر داشت. آن تاج دارای چهار پایه بود، در هر پایه آن یک گوهر بود که مسافت سه روز راه را نورانی می نمود. من به یکی از خادمان او گفتم: این شخص کیست؟ گفت: حضرت محمد مصطفی «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» است. گفت: آن شخص دیگر کیست؟ گفت: علی مرتضی است که وصی وی می باشد. بعدا به دقت نظر کردم و مرکبی از نور دیدم که هودجی از نور بر پشت آن بود. در میان آن هودج دو نفر زن بود. آن مرکب در بین آسمان و زمین پرواز می نمود. من گفتم: این مرکب برای کیست؟ گفت: برای خدیجه کبری و فاطمه زهراء «علیهما السلام» است. گفتم: این کودک کیست؟ گفت: حسن بن علی می باشد. گفتم: ایشان همه باهم کجا می روند؟ گفت: برای زیارت حضرت حسین بن علی که در کربلا کشته و شهید شده، می روند. سپس من متوجه هودج فاطمه زهراء شدم ناگاه دیدم کاغذ‌های که چیزی در آنها نوشته شده بود از آسمان فرو می ریزد. جويا شدم: این کاغذها چیست؟ گفت: این کاغذها امان نامه‌ای است از دوزخ برای زواری که شب جمعه زیارت امام حسین «علیه السلام» می روند. هنگامی که من خواهان یکی از آن کاغذها شدم به من گفت: تو می گوئی: زیارت قبر امام حسین «علیه السلام» بدعت است. تو این کاغذ را به دست نخواهی آورد مگر موقعی که حسین را زیارت کنی و به فضیلت و شرافت آن حضرت معتقد شوی. من در حالی که مضطرب و هراسان بودم از خواب بیدار شدم و در همین ساعت به قصد زیارت مولایم امام حسین «علیه السلام» از منزل خارج شدم: من توبه کردم. ای سلیمان! من از قبر حسین جدا نمی شوم تا روح از بدنم جدا شود.

امام حسین علیه السلام

روایت های بسیار جالب و با مضامین خیلی زیبا از زبان سید الشهداء حضرت اباعبدالله علیه السلام نیز نقل شده که حضرت علیه السلام با تعبیری بسیار زیبا، رهایی از آتش جهنم را از ثمرات زیارت خودشان می شمارند. در این بخش به عنوان نمونه دو روایت را از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم.

روایت اول

رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ الْقُمِّيِّ، مِنْ كِتَابِ الزِّيَارَاتِ تَضْنِيفِهِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ: كَانَ لَنَا جَارٌ يُعْرِفُ بَعْلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ قَالَ: كُنْتُ أَزُورُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ شَهْرٍ، قَالَ: ثُمَّ عَلَتْ سِنِّي وَضَعَفَ جِسْمِي وَانْقَطَعَتْ عَنْهُ مُدَّةٌ، ثُمَّ وَقَعَ إِلَيَّ أَنَّهَا آخِرُ سِنِّي عُمْرِي، فَحَمَلْتُ عَلَى نَفْسِي وَخَرَجْتُ مَا شِئْتُ، فَوَصَلْتُ فِي أَيَّامٍ، فَسَلَّمْتُ وَصَلَّيْتُ رَكَعَتِي الزِّيَارَةَ وَنِمْتُ، فَرَأَيْتُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْقَبْرِ. فَقَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، لِمَ جَفَوْتَنِي وَكُنْتَ بِي بَرًّا؟» فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي، ضَعَفَ جِسْمِي وَقَصُرَتْ حُطَايَ، وَوَقَعَ لِي أَنَّهَا آخِرُ سِنِّي عُمْرِي فَأَتَيْتُكَ فِي أَيَّامٍ، وَقَدْ رُوي عَنْكَ شَيْءٌ أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ. فَقَالَ: «قُلْ». قَالَ: قُلْتُ: رُوي عَنْكَ «مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِهِ زُرْتُهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ». قَالَ: «نَعَمْ». قُلْتُ: فَأَرْوِيهِ عَنْكَ «مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِهِ زُرْتُهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ».

قَالَ: «نَعَمْ أَرُو عَنِّي: مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِهِ زُرْتُهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ، وَإِنْ وَجَدْتُهُ فِي النَّارِ أَخْرَجْتُهُ

ابن طاووس، علی بن موسی، الوفاة: ٦٦٤ ق، الدروع الواقية ج ١ ص ٧٥، چاپ اول، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام ١٤١٥ ق / ١٩٩٥

داود بن عقبه می گوید: همسایه ای داشتم که به محمد بن علی معروف بود، محمد بن علی می گوید: من هر ماه به زیارت امام حسین «علیه السلام» می رفتم، ولی وقتی سنم بالا رفت و جسمم ضعیف شد دیگر برای مدتی زیارت ایشان نرفتم، تا اینکه احساس کردم اواخر عمرم می باشد پس به سختی با پای پیاده به زیارت آن حضرت رفتم، و طی چند روز به کربلا رسیدم، پس سلام دادم و دو رکعت نماز خواندم و خوابیدم، در خواب آن حضرت را دیدم که از قبر خارج شدند و به من فرمودند: ای علی شما نسبت به من نیکی می کردی پس چرا

به من جفا میکنی؟ عرض کردم ای سید من؛ جسمم ضعیف شده وپاهای من ناتوان، و احساس کردم که آخرین سال عمر من است پس در طی چند روز به زیارت شما آمدم، و از جانب شما روایتی شنیدم که دوست دارم از خود شما بشنوم، پس امام فرمودند: آن روایت را بگو؛ گفتم از شما نقل شده است که فرمودید: هرکس به زیارت من بیاید من بعد از وفات او به زیارتش می روم، سپس امام فرمودند: درست است، عرض کردم آیا این روایت را نقل کنم؟ امام فرمود بله این روایت را از جانب من نقل کن :هرکس به زیارت من بیاید من بعد از وفات او به زیارتش می آیم وحتی اگر آن را در آتش ببینم از آتش بیرون می آورم.

روایت دوم

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوبًا وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ إِلَّا أَرَدَّهُ وَ أَقْلِبُهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا

ابن بابویه، محمد بن علی، الوفاة: ۳۸۱ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۹۸، چاپ دوم، ناشر: دار الشریف

الرضي للنشر ۱۴۰۶ ق

من کشته ی اشک ها هستم، و باحالی حزین واندوه کشته شدم، بر خداوند است که هیچ گرفتاری به زیارت من نیاید مگر آن که او را شادمان بازگردانم و به خانواده اش برسانم.

امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام که خود از بازماندگان حادثه کربلا می باشد، به صورت عملی اهمیت زیارت ابا عبدالله سلام الله علیه را بیان نموده و خود ایشان به زیارت پدر بزرگوارشان رفته اند.

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا عَرَفْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنِّي رَأَيْتُ رَجُلًا دَخَلَ مِنْ بَابِ الْفَيْلِ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَتَبِعْتُهُ حَتَّى أَتَى

بِئْرِ الزَّكَاءِ وَ هِيَ عِنْدَ دَارِ صَالِحِ بْنِ عَلِيٍّ وَ إِذَا بِنَاقَتَيْنِ مَعْقُولَتَيْنِ وَ مَعَهُمَا غَلَامٌ أَسْوَدٌ فَقُلْتُ لَهُ مَنْ هَذَا فَقَالَ هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَنَوْتُ إِلَيْهِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ قُلْتُ لَهُ مَا أَقْدَمَكَ بِلَاداً قُتِلَ فِيهَا أَبُوكَ وَ جَدُّكَ فَقَالَ زُرْتُ أَبِي وَ صَلَّيْتُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ ثُمَّ قَالَ هَا هُوَ دَا وَجْهِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الوفاة: ۳۲۹ ق، الکافی ج ۸ ص ۲۵۵، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، ناشر: دار الکتب الإسلامية ۱۴۰۷ ق

ابو حمزة گوید: نخستین باری که من علی بن الحسین «علیهما السلام» را شناختم روزی بود که دیدم مردی از باب الفیل (یکی از دربهای مسجد کوفه) وارد شد و چهار رکعت نماز خواند، من به دنبال آن مرد رفتم تا به بئر الزکاة که نزدیک خانه صالح بن علی بود رسید در آنجا دو شتر زانو بسته دیدم و غلام سیاهی با آنها بود، از آن غلام پرسیدم: این مرد کیست؟ گفت: علی بن الحسین است، پس من بدان حضرت نزدیک شده بر او سلام کردم و به او عرض کردم: چه سبب شد که به این بلاد بیائی؟ بلادی که پدر و جدت را در آن کشتند؟ فرمود: به زیارت پدرم آمدم و در این مسجد هم نماز خواندم و هم اکنون رو به سوی مدینه دارم - درود خدا بر او باد -.

امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام، علاوه بر شمردن ثواب زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام جهت تشویق مردم به زیارت آن حضرت، در بعضی از روایات دیگر به صورت صریح، امر و دستور به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام دادند که اگر نگوییم این گونه روایات دلالت بر وجوب می کند بی شک دلالت بر مستحب موکد خواهد کرد.

روایت اول

حَدَّثَنِي أَبِي رَجِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَكَمِ النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي حَمَّادِ الْأَعْرَابِيِّ عَنْ

سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ فَتَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ

السَّلَامُ مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَحَطَّ حُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَحَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةً.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج ۱ ص ۱۳۴، محقق: امینی، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش

سدير صيرفي، می گوید: محضر محمد باقر «علیه السلام» بودیم پس جوانی قبر حضرت امام حسین «علیه السلام» را متذکر شد. حضرت محمد باقر «علیه السلام» به او فرمود: هیچ کس به زیارت آن حضرت نمی رود و قدمی بر نمی دارد مگر آنکه حق تعالی برای او یک حسنه نوشته و یک گناه از او پاک می کند.

روایت دوم

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ إِثْبَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ

يُمَدُّ فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَ إِثْبَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقَرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج ۱ ص ۱۵۰، محقق: امینی، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش

حضرت محمد باقر «علیه السلام» فرمودند: امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی «علیهما السلام» چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می کنند دفع می نماید. و زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است

وَإِسْنَادِهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ بْنِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَعْرِضُ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ مَنْ كَانَ لَنَا مُحِبًّا فَلْيَزْعَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَوَّارًا عَرَفْتَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زَوَّارًا كَانَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۹۳، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول، ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام محمد باقر «علیه السلام» می فرمودند: کسی که می خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او مؤمن است و کسی که محب و دوست دار ما است باید در زیارت امام حسین «علیه السلام» راغب باشد، بنا بر این شخصی که زائر امام حسین «علیه السلام» باشد ما او را محب خود می دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زیاد به زیارت حضرت ابا عبد الله الحسین «علیه السلام» نرود ناقص الایمان است.

امام صادق علیه السلام

روایات نقل شده از حضرت امام صادق علیه السلام در باب زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام، بسیار زیاد می باشند، که در آن حضرت علاوه بر سفارش به زیارت ابا عبدالله علیه السلام به طور کلی و به زیارت اربعین به صورت خصوصی و بیان ثواب زیارت، خودشان نیز به زیارت آن حضرت رفته اند.

روایت اول

حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَجَمَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتَّيْلِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ أَنَّ

أَحَدِكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزُرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ لَكَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ وَ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ

صلي الله عليه واله وسلم لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج ۱ ص ۱۲۲، محقق: اميني، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام صادق «عليه السلام» فرمودند: اگر یکی از شما طول عمرش را به حج رفته ولی به زیارت حسین بن علی «عليهما السلام» نرود حتما حقی از حقوق خدا و حقوق رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» را ترک کرده زیرا حق حسین «عليه السلام» فرضیه و تکلیفی است از جانب خداوند که بر هر مسلمانی واجب می‌باشد.

روایت دوم

حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ السُّحْتِ الْخَزَّازِ قَالَ حَدَّثَنَا حَفْصُ الْمُرَيْبِيُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَبَاضٍ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يَا أَبَانَ مَتَى عَهْدُكَ بِقَبْرِ

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي بِهِ عَهْدٌ مُنْذُ جِئْتُ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْتَ مِنْ

رُؤَسَاءِ الشَّيْخَةِ تَتْرُكُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَزُورُهُ- مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ

حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَيِّئَةً وَ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ يَا أَبَانَ لَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَبَطَ

عَلَى قَبْرِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْتُ غُبْرًا يَبْكُونَ عَلَيْهِ وَ يَبُوحُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج ۱ ص ۳۳۱، محقق: اميني، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش

ابان بن تغلب گفت: حضرت جعفر بن محمد «عليهما السلام» به من فرمودند: ای ابان کی قبر حسین «عليه السلام» را زیارت کردی؟ عرض کردم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا تا بحال به زیارت آن حضرت نرفته‌ام. حضرت فرمودند: سبحان الله، تو از بزرگان شیعه هستی و زیارت امام حسین «عليه السلام» را ترک می‌کنی، به زیارتش نمی‌روی؟ کسی که حسین «عليه السلام» را زیارت کند خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد يك حسنه برایش می‌نویسد و از او در مقابل هر قدمش يك گناه محو می‌فرماید و تمام گناهان سابق و لاحقش را می‌آمرزد،

ای ابان وقتی حسین «علیه السلام» کشته شد هفتاد هزار فرشته ژولیده و غبار آلود بر قبرش از آسمان هبوط کرده و از آن تاریخ تا ظهور قیامت بر او گریه و نوحه سرائی می کنند

روایت سوم (زیارت اربعین)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلْعُكَبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَرُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ

تَقُولُ - السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ التُّصْحَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَقِفِدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتَهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَعَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَشْحَطَ نَيْيِكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيَلًا وَ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا وَ مِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَدَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ - وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدَتْ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُبَسِّسْكَ الْمُدْهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ

الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ حَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ تَدْعُو بِمَا أُحِبُّتَ وَ تَنْصَرِفُ.

الطوسی، محمد بن الحسن، الوفاة: ٤٦٠ ق، تهذیب الأحكام ج ٦ ص ١١٣، محقق: خراسان، حسن الموسوی، چاپ چهارم، ناشر: دار الکتب الإسلامیه ١٤٠٧ ق.

صفوان گفت: مولایم امام صادق «علیه السلام» درباره زیارت اربعین به من گفت: هنگامی که قسمت قابل توجهی از روز برآمده، بخوان: سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و نجیبش، سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاری ها و کشته اشک ها، خدایا من گواهی می دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو، و فرزند برگزیده دوست حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی، و به خوشبختی اختصاصش دادی، و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از آقایان، و پیشروی از پیشرویان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی، و میراث های پیامبران را به او عطا فرمودی، و او را از میان جانشینان حجت بر بندگانت قرار دادی، و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت، و از خیرخواهی دریغ نوزید، و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، درحالی که بر علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد، و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پست تر چیز فروختند، و و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند، و اطاعت کردند از میان بندگانت، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را پس با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خونس ریخته شد و حریمش مباح گشت خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین، و عذابشان کن عذابی دردناک، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت می دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی، و ستوده درگذشتی، و از دنیا رفتی گم گشته، و مظلوم و شهید، گواهی می دهم که خدا

وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده، و نابودکننده کسانی را که از یاریت دریغ ورزیدند، و عذاب کننده کسانی را که تو را کشتند، و گواهی می دهد که شما به عهد خدا وفا کردید و در راهش به جهاد برخاستی تا مرگ فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و به تو ستم کردند، و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند، خدای من تو را شاهد می گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند، و دشمن با آنان که با او دشمنند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می دهد که تو در صلب های بلندمرتبه و رحم های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی هایش تو را آلوده نکرد، و از جامه های تیره و تارش به تو نپوشاند، و گواهی می دهد که تو از ستون های دین، و پایه های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی، و گواهی می دهد که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده، و هدایت شده ای، و گواهی می دهد که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می دهد که من به یقین مؤمن به شمایم، و به بازگشتتان یقین دارم، براساس قوانین دینم، و عواقب عملم، و قلم با قلبتان در صلح، و کارم پیرو کارتان، و یاری ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شمایم نه با دشمنانتان، دروهای خدا بر شما، و بر ارواح و پیکرهایتان، و بر حاضر و غایبتان، و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان. پس دو رکعت نماز میخوانی، و به آنچه میخواهی دعا میکنی و برمیگردی.

روایت چهارم

بِإِسْنَادِ عَنِ الشَّرِيفِ أَبِي عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ بَهْرَامِ الضَّرِيرُ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَيْفَاءِ الطَّائِي قَالَ سَمِعْتُ أَبِي ذَكَرَ أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى إِلَى الْحِيرَةِ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ عَلَى رَاحِلَتَيْنِ وَ دَاعَ الْخَبْرُ بِالْكُوفَةِ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الثَّانِي قُلْتُ لِغُلَامٍ لِي اذْهَبْ فَاقْعُدْ لِي فِي مَوْضِعٍ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الطَّرِيقِ فَإِذَا رَأَيْتَ غُلَامَيْنِ عَلَى رَاحِلَتَيْنِ فَتَعَالَ إِلَيَّ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا جَاءَنِي فَقَالَ قَدْ أَقْبَلَا فَقُمْتُ إِلَى بَارِيَّةٍ فَطَرَحْتُهَا عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ وَ إِلَى وَسَادَةٍ وَ صُفْرِيَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قُلْتَيْنِ فَعَلَقْتُهُمَا فِي النَّخْلَةِ وَ عِنْدَهَا طَبَقٌ مِنَ الرُّطْبِ وَ كَانَتِ النَّخْلَةُ صَرَفَانَةً فَلَمَّا أَقْبَلَ تَلَقَّيْتُهُ وَ إِذَا الْغُلَامُ مَعَهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَحَّبَ بِي ثُمَّ قُلْتُ يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ تَنْزِلُ عِنْدِي سَاعَةً وَ تَشْرَبُ شَرْبَةَ مَاءٍ بَارِدٍ فَتَنِي رَجُلُهُ فَنَزَلَ وَ اتَّكَأَ عَلَى الْوَسَادَةِ ثُمَّ

رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى النَّخْلَةِ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَ قَالَ يَا شَيْخُ مَا تَسْمُونَ هَذِهِ النَّخْلَةَ عِنْدَكُمْ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَرَفَانَهُ فَقَالَ
وَيَحْكُ هَذِهِ وَ اللَّهُ الْعَجْوَةُ نَحْلَةُ مَرْيَمَ الْفَطْلَا مِنْهَا فَلَقَطْتُ فَوَضَعْتُهُ فِي الطَّبَقِ الَّذِي فِيهِ الرُّطْبُ فَأَكَلَتْ مِنْهَا فَأَكْتَرَتْ
فَقُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ بِأَبِي وَ أُمِّي هَذَا الْقَبْرُ الَّذِي أَقْبَلْتُ مِنْهُ قَبْرُ الْحُسَيْنِ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا شَيْخُ حَقًّا وَ لَوْ أَنَّهُ عِنْدَنَا
لَحَجَجْنَا إِلَيْهِ قُلْتُ فَهَذَا الَّذِي عِنْدَنَا فِي الظُّهْرِ أ هُوَ قَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِي وَ اللَّهُ يَا شَيْخُ حَقًّا وَ لَوْ
أَنَّهُ عِنْدَنَا لَحَجَجْنَا إِلَيْهِ ثُمَّ رَكِبَ رَاغِلَتَهُ وَ مَضَى

ابن طاوس، عبدالکریم بن احمد، الوفاة: ٦٩٣ ق، فرحة الغري في تعيين قبر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب
عليه السلام في النجف، ناشر: منشورات الرضي

[بی تا]

حسین بن ابی العلاء که می گوید: شنیدم از پدرم که می گوید: حضرت امام جعفر صادق «علیه السلام» تشریف
بردند به حیره و با آن حضرت پسری بود و هر دو سواره تشریف بردند و این خبر در کوفه منتشر شد. وقتی روز
دوم شد، به غلام خود گفتم که برو و فلان جا بر سر راه بنشین، وقتی که دوجوان سواره می آیند، بیا و مرا خبر
کن. وقتی صبح شد غلام خبر آورد که آن دوجوان سواره آمدند. برخاستم و بوریائی برداشتم و بر سر راه آن
حضرت انداختم و بالشی بر روی حصیر گذاشتم و درخت خرمايي در آنجا بود. دو کوزه آب بر آن درخت آویختم
و طبق رطبی در آنجا گذاشتم- و آن درخت درخت خرماي صرفانه بود-؛ و چون آن حضرت رسیدند، استقبال
کردم و سلام کردم. جواب فرمودند و مرا تکریم فرمودند. گفتم: ای سید و مولای من! ای فرزند رسول خدا! من
از جمله پیروان شما هستم و التماس دارم که نزد من ساعتی فرود آئید و شربت آب خنکی بنوشید، آن حضرت
پا را از زین گردانیدند و به زیر آمدند و بر وساده تکیه فرمودند و به درخت خرما نگاه کردند و فرمودند که یا
شیخ! نام این درخت خرما چیست؟ گفتم: یا ابن رسول الله! این درخت را صرفانه می نامیم. حضرت گفت: خدا
تو را رحمت کند! و الله این درخت نامش عجوه است؛ درخت خرمائیسست که حضرت عیسی در زیر آن متولد
شدند و حضرت مریم از خرمای آن درخت میل فرمودند. پس حضرت فرمود که ازین درخت برای ما خرما
بچین. چیدم و در طبقی گذاشتم و نزد آن حضرت آوردم. بسیار از آن میل فرمودند. گفتم: فدای تو شوم من و

پدرم و مادرم! این قبری که از طرف آن تشریف می‌آورید، قبر حضرت امام حسین است؟ فرمود: بلی و الله ای شیخ! اگر این قبر در مدینه می‌بود چنان که به حج می‌رویم به این زیارت می‌رفتیم. گفتم: این قبری که در پشت کوفه است، قبر حضرت امیر المؤمنین است؟ فرمود که بلی و الله ای شیخ! و اگر این قبر در حوالی مدینه می‌بود همانطور که به حج اهتمام می‌کردیم در زیارت آن حضرت می‌کردیم. بعد از آن سوار شدند و روانه شدند.

روایت پنجم

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ زُورُوا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ

غَيْرَ جَاحِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوْضٌ غَيْرُ الْجَنَّةِ وَ رُزْقٌ رِزْقًا وَاسِعًا وَ آتَاهُ اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِ بِفَرَحٍ [بِفَرَجٍ] عَاجِلٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۵۲، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام صادق «علیه السلام» فرمودند: حسین «علیه السلام» را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد زیرا کسانی که او را در حالی که به حَقُّش عارف بوده و آن را انکار نکنند زیارت کنند، پاداشی ندارند مگر بهشت و روزی آنها واسع بوده و خداوند مَثان در دنیا فرج نصیبشان می‌کند، حق تبارک و تعالی چهار هزار فرشته را موکَل قبر حسین بن علی «علیهما السلام» فرموده که بر او گریه می‌کنند و زائرین حضرت را مشایعت کرده تا به خانه خود برسند و اگر مریض شوند آنها را عیادت کرده و هنگامی که از دنیا روند بر سر جنازه آنها حاضر شده و بر ایشان طلب آمرزش و رحمت می‌نمایند.

روایت ششم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ

يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَتَّانٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا سَدِيرُ تَرُورُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي كُلِّ يَوْمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا قَالَ فَمَا أَجْفَاكُمْ قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ

قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ
 لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْتُ غُبْرُ يَبْكُونَ وَ يَزُورُونَ لَا يَفْثُرُونَ وَ مَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
 السَّلَامِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَرَاخٌ كَثِيرَةٌ فَقَالَ لِي
 اصْعُدْ فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمَّ تَلْتَفِتْ يَمَنَةً وَ يَسْرَةً ثُمَّ تَرْفَعِ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْحِ نَحْوَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ - السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَ الزُّورَةُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ قَالَ سَدِيرٌ فَرُبَّمَا فَعَلْتُ فِي
 الشَّهْرِ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ مَرَّةً.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الوفاة: ۳۲۹ ق، الکافی (ط - الإسلامية) ج ۴ ص ۵۸۹ محقق : غفاری علی
 اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية ۱۴۰۷ ق

سدیر می گوید: امام صادق فرمودند: ای سَدیر! قبر حسین «علیه السلام» را در هر روز، زیارت می کنی؟ گفتم:
 فدایت شوم، نه! فرمود: چه قدر جفاکاریدا! فرمود: او را هفته ای یک بار، زیارت می کنید؟. گفتم: نه. فرمود: در
 هر ماه، چه طور؟. گفتم: نه. فرمود: در هر سال، چه؟. گفتم: گاه، چنین می شود. فرمود: «ای سَدیر! چه قدر به
 حسین «علیه السلام» جفا می کنید! آیا نمی دانی که خدای عزوجل، دو هزار هزار فرشته پریشان غبارآلود دارد
 که می گیرند و زیارت می کنند و خسته نمی شوند. چه می شود ای سَدیر که قبر حسین «علیه السلام» را در هر
 هفته، پنج بار و در هر روز، یک بار، زیارت کنی؟. گفتم: فدایت شوم! میان ما و او فرسنگ ها راه است. امام
 «علیه السلام» به من فرمود: به بالای بام خانه ات برو. سپس به راست و چپ، توجه کن و آن گاه، سرت را به
 سوی آسمان، بالا ببر و به سوی قبر حسین «علیه السلام» رو کن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ : سلام بر تو، ای اباعبدالله! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد!". برایت، یک زیارت
 نوشته می شود و زیارت، [معدل] یک حج و عمره است. [پس از آن،] گاه در یک ماه، بیش از بیست بار، آن را به
 انجام می رساندم.

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ زِيَادٍ [يَزْدَادًا] قَالَ: أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِنِّي قَدْ صَرَبْتُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً وَبَعْتُ ضِيَاعِي فَقُلْتُ أَنْزِلْ مَكَّةَ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ جَهْرَةً قَالَ فَبِي حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ هُمْ شَرُّ مَنْهُمْ قَالَ فَأَيْنَ أَنْزِلُ قَالَ عَلَيْنِكَ بِالْعِرَاقِ الْكُوفَةِ فَإِنَّ الْبَرَكَاتِ مِنْهَا عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا هَكَذَا وَهَكَذَا - وَ إِلَى جَانِبِهَا قَبْرٌ مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ وَ لَا مَلْهُوفٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ .

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۶۹، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

اسحاق بن زیاد (اسحاق بن یزداد بدل) می گوید: شخصی نزد حضرت ابا عبد الله «علیه السلام» مشرف شد عرض کرد: آنچه طلا و نقره داشتیم معامله کرده و املاک خود را نیز فروخته‌ام و همه را به صورت پول نقد درآورده‌ام که از شهر خود به جای دیگر بروم آیا کجا ساکن گردم؟ اسحاق می گوید من به وی گفتم: به مکه وارد شو و در آنجا منزل کن. حضرت به آن مرد فرمودند: این کار را مکن زیرا اهل مکه کافر به خدا بوده و علنا به وی کفر می‌ورزند. آن مرد عرضه داشت: پس به حرم رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» (یعنی مدینه) بروم؟ حضرت فرمودند: اهل این شهر از اهل مکه شرتر و بدتر می‌باشند. آن مرد عرض کرد: پس کجا منزل کنم؟ حضرت فرمودند: بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر قبری است (قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین «علیه السلام») که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی‌رود مگر آنکه حق تعالی حزن و غم او را برطرف می‌فرماید.

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ زُورُوا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ كَلَّ سَنَةً فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفاً

بِحَقِّهِ غَيْرَ جَاحِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوْضٌ غَيْرُ الْجَنَّةِ وَ رُزْقٌ رِزْقاً وَاسِعاً وَ آتَاهُ اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِ بِفَرَحٍ [بِفَرَجٍ] عَاجِلٍ وَ ذَكَرَ

الْحَدِيثَ.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۵۱، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

امام صادق «علیه السلام» فرمودند: حسین «علیه السلام» را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد، زیرا هر کس به زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می کند و در همین عالم خداوند متعال در ازای زیارتی که کرده به او در دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه ای می دهند

روایت نهم

حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ وَ أَحْمَدَ بْنَ

إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ النَّهَّائِنْدِيِّ عَنِ أَبِي

سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا حُسَيْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ

زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنْ كَانَ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا

صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ الْمُتَّجِبِينَ [الْمُفْلِحِينَ الْمُتَّجِبِينَ] حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهَ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ

الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُفْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ

اسْتَأْنِفَ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۳۲، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حسین بن ثویر بن اُبی فاخته، می گوید: حضرت ابو عبد الله «علیه السلام» فرمودند: ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی «علیهما السلام» باشد اگر پیاده رود خداوند مٓان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف خداوند تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از رستگاران محسوب می فرماید تا زمانی که بخواهد برگردد، در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید: رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» سلام رسانده و به تو می فرماید: از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد

روایت دهم

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ زُرِ الْحُسَيْنِ وَ لَا تَدْعُهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ آتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ مَنْ آتَاهُ مَا شِئياً كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا آتَاهُ وَ كَلَّ اللهُ بِهِ مَلَكَينِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ فَإِذَا انْصَرَفَ وَ دَعُوهُ وَ قَالُوا يَا وَلِيَّ اللهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَ اللهُ لَا تَرَى النَّارَ بَعَيْنِكَ أَبَداً وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعَمُكَ أَبَداً.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۳۳، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

علی بن میمون صائغ، از حضرت ابی عبد الله «علیه السلام» می گوید که آن حضرت فرمودند: ای علی! قبر حسین «علیه السلام» را زیارت کن و ترک مکن. عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که پیاده زیارت کند خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک

گناه از او محو می‌فرماید و يك درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد و وقتی به زیارت رفت حق تعالی دو فرشته را موکل او می‌فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می‌شود را نوشته و آنچه شر و بد می‌باشد را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می‌گویند: ای ولی خدا گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می‌باشی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بینا نمی‌کند و آتش نیز تو را ابدًا نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.

روایت یازدهم

حَدَّثَنِي أَبِي رَهْ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي رَهْ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ مُرْ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيداً [شَهِيداً] وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۵۱، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

عبد الملك خثعمی، می‌گوید: حضرت امام صادق «علیه السلام» فرمودند: ای عبد الملك زیارت حسین بن علی «علیهما السلام» را ترك مكن و یاران و اصحاب را به آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن، عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را زیاد می‌کند، در حال حیات سعید و سعادت‌مندت نموده و نخواهی مرد مگر آنکه تو را در زمره سعادت‌مندان می‌نویسد.

روایت دوازدهم

حَدَّثَنِي أَبِي رَجَمَهُ اللَّهُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَيْثَمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ النَّجَّارِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ

اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزُورُونَ الْحُسَيْنَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَرْكَبُونَ السُّفْنَ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهَا إِذَا انْكَفَتْ بِكُمْ

تُودِيْتُمْ أَلَا طِبْتُمْ وَ طَابَتْ لَكُمْ الْجَنَّةُ.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج ۱ ص ۱۳۴، محقق: امینی، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش

عبد الله بن نجار می گوید: حضرت امام صادق «عليه السلام» به من فرمودند: آیا به زیارت حضرت امام حسین «عليه السلام» می‌روید؟ و آیا بر کشتی سوار می‌شوید و به زیارت آن حضرت می‌روید؟ عرض کردم: بلی حضرت فرمودند: آیا می‌دانی هر گاه کشتی شما را در دریا واژگون کند منادی ندا می‌کند: آگاه باشید! خوشا بحال شما، بهشت بر شما گوارا باد.

روایت سیزدهم

وَ رَوَى صَالِحُ الصَّيْرَفِيُّ عَنْ عِمْرَانَ الْمَيْمِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْثَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ

يَكُونَ عَلَى مَوَائِدِ الثُّورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - فَلْيَكُنْ مِنْ زُورِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج ۱ ص ۱۳۵، محقق: امینی، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام صادق «عليه السلام» فرمودند: کسی که دوست دارد در روز قیامت بر سفره‌های نور بنشیند، پس باید از زورار (کسی که زیاد به زیارت آن حضرت برود) حضرت حسین بن علی «عليهما السلام» باشد.

روایت چهاردهم

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلَوَيْهِ رَهْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ يَفْطِينَ الْيَقْطِينِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي خَالِدِ ذِي الشَّامَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جِوَارِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ جِوَارِ عَلِيٍّ وَ

فَاطِمَةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۳۶، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

امام صادق «علیه السلام» فرمودند: کسی که می‌خواهد در همسایگی رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» و حضرت علی و فاطمه «علیهما السلام» باشد زیارت حسین بن علی «علیهما السلام» را ترک نکند.

روایت پانزدهم

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ [أَوْ] أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ

مَسْكَنُهُ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ قُلْتُ مَنْ هُوَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ مَنْ أَتَاهُ شَوْقًا

إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِفَاطِمَةَ وَ حُبًّا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُ مَعَهُمْ وَ

النَّاسُ فِي الْحِسَابِ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۳۶، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

امام صادق «علیه السلام» فرمودند: کسی که دوست دارد منزلش بهشت باشد پس زیارت مظلوم (مظلوم کربلاء) را ترک نکند. عرض کردم: مظلوم کیست؟ حضرت فرمودند: مظلوم حسین بن علی «علیهما السلام» که صاحب کربلاء است می‌باشد، کسی که بخاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» و فاطمه «سلام الله علیها» و حب به امیر المؤمنین «صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین» حضرتش را زیارت کند خداوند او را بر سر سفره‌های بهشتی نشانده که با آن سروران هم غذا باشد در حالی که مردم در حساب می‌باشند.

حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبَانَ الْأَزْرَقِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ

عِنْدَ اللَّهِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاكٍ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۶۶، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام صادق «علیه السلام»، فرمودند: محبوبترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین «علیه السلام» بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علی ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیکترین بنده به خدا، بنده‌ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد.

روایت هفدهم

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبَّادٍ عَنِ

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ آتَيْتُ قَبْرَ

الْحُسَيْنِ قَالَ نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَطْيَبُ الطَّيِّبِينَ - وَ أَطْهَرُ الطَّاهِرِينَ

وَ أَبَرُّ الْأَبْرَارِ فَإِذَا زُرْتَهُ كُنْتَ لَكَ اثْنَتَانِ وَ عِشْرُونَ عُمْرَةً

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۵۴، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

ابی سعید می گوید: بر حضرت امام صادق «علیه السلام» داخل شدم و عرض کردم: فدایت شوم: آیا به زیارت قبر حضرت حسین «علیه السلام» بروم؟ حضرت فرمودند: بلی، ای ابا سعد به زیارت قبر پسر رسول خدا که پاکیزه‌ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو و بدان هر گاه او را زیارت کردی ثواب بیست و دو عمره برایت نوشته می‌شود.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْفَرَّشِيِّ الْكُوفِيِّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَرَّ قَوْمٌ عَلَى حَمِيرٍ فَقَالَ أَيْنَ يُرِيدُونَ هَؤُلَاءِ قُلْتُ قُبُورَ الشَّهَدَاءِ قَالَ فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ الشَّهِيدِ الْغَرِيبِ قَالَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ زِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ قَالَ زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرِينَ حِجَّةً وَ عُمْرَةً ثُمَّ قَالَ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ - قَالَ فَوَ اللَّهُ مَا قُمْتُ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنِّي قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حِجَّةً - فَادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي تَمَامَ الْعَشْرِينَ قَالَ فَهَلْ زُرْتُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا قَالَ إِنَّ زِيَارَتَهُ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ حِجَّةً

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۶۰، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول، ناشر:

دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

یزید بن عبد الملک می گوید:

در محضر مبارک حضرت امام صادق «علیه السلام» بودم در این هنگام گروهی که بر مرکب ها سوار بودند عبور کردند، حضرت فرمودند: ایشان به کجا می روند؟ عرض کردم: زیارت قبور شهداء. فرمودند: چه چیزی سبب شده که به زیارت شهید غریب نروند؟! راوی می گوید: شخصی از اهل عراق به آن حضرت عرض کرد: آیا زیارت او واجب است؟ حضرت فرمودند: زیارت آن جناب بهتر از یک حج و یک عمره، از دو حج و دو عمره ... و پیوسته بر آن می افزودند تا فرمودند: بهتر از بیست حج و بیست عمره می باشد و سپس افزودند: از بیست حج و عمره مقبول و پذیرفته شده بهتر است. راوی می گوید: به خدا سوگند از محضر مبارکش برنخاستم تا اینکه شخصی خدمتش مشرف شد و به آن حضرت عرض کرد: من نوزده حج به جا آورده ام تقاضا دارم از خدا بخواهید که یک حج دیگر روزی من کرده تا بیست حج برایم کامل باشد. حضرت به وی فرمودند: آیا قبر حضرت حسین «علیه السلام» را زیارت کرده ای؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمودند: زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر است.

رُوي عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام أنه قال زيارة الحسين بن علي عليه السلام واجبة على كل من
يقر للحسين بالإمامة من الله عز وجل

مفيد، محمد بن محمد، الوفاة: ٤١٣ ق، الإرشاد ج ٢ ص ١٣٣، في معرفة حجج الله على العباد، محقق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، الناشر: کنگره شيخ مفيد؛ ١٤١٣ ق

حضرت امام صادق «عليه السلام» فرمودند: زیارت امام حسین «عليه السلام» بر هر کسی که امامت امام حسین «عليه السلام» را قبول داشته باشد، واجب می باشد.

روایت بیستم

حدَّثني أبو العباس الرزاز عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن أبي داود المسترق عن أم سعيد الأحمسيّة
قالت كنت عند أبي عبد الله عليه السلام وقد بعثت من يكتري لي حماراً إلى قبور الشهداء فقال ما يمنعك من
زيارة سيّد الشهداء قالت قلت و من هو قال الحسين عليه السلام قالت قلت و ما لمن زاره قال حجّة و عمرّة
مبرورة و من الخير كذا و كذا ثلاث مرّات بيده.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات ج ١ ص ١٠٩، محقق: امينى، عبد الحسين، چاپ اول، ناشر:
دار المرتضوية، ١٣٥٦ ش

ام سعيد احمسيه وى مى گويد:

محضر مبارك حضرت امام صادق «عليه السلام» بوم و كسى را فرستاده بوم كه دراز الاغى را كرايه كند و من
را به قبور شهداء ببرد. امام «عليه السلام» فرمودند: چه چیز مانع شد به زیارت امام حسین علیه السلام نروى؟.
ام سعيد مى گوید: عرض کردم: سيّد الشهداء کیست؟ حضرت فرمودند: سيّد الشهداء امام حسین «عليه
السلام» مى باشد. ام سعيد عرض کرد: ثواب كسى كه آن حضرت را زیارت كند چیست؟ حضرت فرمودند: حج
و عمره قبول شده و از اعمال خير فلان و فلان حضرت با دست مبارك سه مرتبه اين عبارت را تفهيم
فرمودند.

حَدَّثَنِي أَبِي رَجِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَجَباً لِأَقْوَامٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ لَنَا وَ يُقَالُ إِنَّ أَحَدَهُمْ يَمُرُّ بِهِ ذَهْرُهُ وَ لَا يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَفَاءً مِنْهُ وَ تَهَاوُنًا وَ عَجْزاً وَ كَسَلًا تَهَاوُونَ وَ عَجَزَ وَ كَسِلَ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ يَعْلَمُ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ مَا تَهَاوُونَ وَ لَا كَسِلَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ فَضْلٌ وَ خَيْرٌ كَثِيرٌ أَمَا أَوْلُ مَا يُصِيبُهُ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَ يُقَالَ لَهُ اسْتَأْنِفَ الْعَمَلَ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۲۹۲، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

سلیمان بن خالد می گوید: حضرت امام صادق «علیه السلام» می فرمودند: تعجب می کنم از گروهی که می پندارند شیعه هستند ولی گفته می شود روزگار بر ایشان می گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین «علیه السلام» نمی روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی حالی منشأ آن باشند، به خدا سوگند اگر می دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی دادند. عرض کردم: فدایت شوم: چه فضیلتی در آن می باشد؟ حضرت فرمودند: فضل و خیر بسیاری در آن می باشد، اولین خیری که به زائر می رسد آن است که گناهان گذشته اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می شود: از ابتداء شروع به عمل بکن.

امام کاظم علیه السلام

در پاره ی از روایات، امام کاظم علیه السلام، بخشش گناه را از ثمرات زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام می

شمارند که حاکی از فضیلت زیاد زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین می باشد

روایت اول

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ
عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْقُمِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزِّيَّاتِ عَنْ قَائِدِ [فَائِدِ] الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي
عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۳۸، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت امام کاظم «علیه السلام» فرمودند:

کسی که امام حسین «علیه السلام» را زیارت نموده و به حقیقت عارف و آگاه باشد خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبُو
الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ
وَلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الوفاة: ۳۲۹ ق، الکافی ج ۴ ص ۵۸۲، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی،

محمد، چاپ چهارم، ناشر: دار الکتب الإسلامية ۱۴۰۷ ق

حضرت امام کاظم «علیه السلام» فرمودند: کمترین چیزی که به عنوان ثواب به زائر امام حسین «علیه

السلام» در شط فرات، داده می شود در حالی که عارف به حق و ولایت و حرمت آن حضرت باشد، این است که

خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام نیز به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام اهتمام داشته ند، که با بیان ثواب زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام، مردم را به این زیارت تشویق نموده ند

روایت اول

حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الْجَعْفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ

بْنُ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيُّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَبِي مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ مِنْ مُحَدَّثِي اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ. فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ

ابن قولویه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۴۱، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول، ناشر:

دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

محمد بن ابی جریر قمی می گوید:

از حضرت ابا الحسن الرضا «علیه السلام» شنیدم که به پدرم می فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی

«علیهما السلام» را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد از هم صحبت های حق تعالی

بالای عرش می باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ، فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ

مُقْتَدِرٍ.

(همانا اهل تقوی در باغها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت

جاودانی متنعم می باشند).

روایت دوم

وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ

بْنِ مُحَمَّدِ الْقُمِّيِّ قَالَ: قَالَ لِي الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَعْدَادَ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

واله وسلم وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا أَنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَضْلَهُمَا قَالَ ثُمَّ قَالَ لِي

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ كُرْسِيِّهِ [فِي عَرْشِهِ]

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۴۸، محقق: امینی، عبد الحسین، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش

حضرت رضا «علیه السلام» فرمودند: کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» و امیر المؤمنین «علیه السلام» را زیارت نموده منتهی زیارت رسول خدا و امیر المؤمنین «صلوات الله و سلامه علیهما» فضیلت و برتری دارد سپس فرمودند: کسی که قبر حضرت ابی عبد الله الحسین «علیه السلام» را در کنار فرات زیارت کند مانند کسی است که خدا را بالای کرسی اش زیارت نموده است.

امام هادی علیه السلام

در روایتی بسیار جالب حضرت امام هادی علیه السلام، برای شفای بیماری خود شخصی را به زیارت قبر حضرت اباعبدالله فرستاده تا برای شفای بیماری ایشان دعا کند.

به روشنی، از این روایت اهتمام اهل بیت علیهم السلام به زیارت حضرت اباعبدالله فهمیده می شود

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْوَهُورِيُّ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ رَه قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ الْجَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو هَاشِمٍ

الْجَعْفَرِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مَحْمُومٌ عَلِيلٌ فَقَالَ لِي يَا أَبَا هَاشِمٍ ابْعَثْ

رَجُلًا مِنْ مَوَالِينَا إِلَى الْحَائِرِ يَدْعُو اللَّهَ لِي فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَاسْتَقْبَلَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ فَأَعْلَمَنِي مَا قَالَ لِي وَ سَأَلْتُهُ

أَنْ يَكُونَ الرَّجُلَ الَّذِي يَخْرُجُ فَقَالَ السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ وَ لِكِنِّي أَقُولُ - إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْحَائِرِ إِذْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي

الْحَائِرِ وَ دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ دُعَائِي لَهُ بِالْحَائِرِ فَأَعْلَمَنِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا قَالَ فَقَالَ لِي قُلْ لَهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ

صلي الله عليه واله وسلم أَفْضَلُ مِنَ الْبَيْتِ وَ الْحَجْرِ وَ كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ وَ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعاً

يُجِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ وَ الْحَائِرُ مِنْهَا

ابن قولويه، جعفر بن محمد، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات ج ١ ص ٢٧٤، محقق: اميني، عبد الحسين، چاپ اول،

ناشر: دار المرتضوية، ١٣٥٦ ش

ابو هاشم جعفری گفت: بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد «سلام الله علیهما» وارد شدم در حال که حضرت تبار و بیمار بودند به من فرمودند: ای ابا هاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعاء کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش گفتم و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده‌اند درخواست کرده و جویا شدم. علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می‌کنم ولی می‌گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر می‌باشد (یعنی حضرت سید الشهداء) و دعای آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعای من برای ایشان در حائر. من محضر امام «علیه السلام» مشرف شده و گفته ی علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می‌کرده و حجر را استلام می‌فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می‌خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعای، دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع می‌باشد

امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام نیز، در روایتی زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام را از علامات مومن می‌شمارد.

رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ

الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الشيخ المفيد، الوفاة: ٤١٣ ق، المزار - مناسك المزار (للمفيد) ج ١ ص ١٥٣، محقق: ابطحي، محمد باقر، چاپ

اول، ناشر: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد - رحمة الله عليه سال چاپ: ١٤١٣ ق.

نشانه های مؤمن پنج چیز است: ١ - پنجاه ویک نماز ٢ - زیارت اربعین ٣ - انگشتر به دست راست کردن ٤ - بر خاک سجده کردن ٥ - بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن.

امام زمان عليه السلام

در حکایت معروف حاج علی بغدادی که ایشان به محضر حضرت بقیه الله الاعظم مشرف شدند، آمده است که آن حضرت به همراه حاج علی بغدادی به زیارت حضرت ابی عبدالله علیه السلام می روند که دلیل بر اهمیت بالغ زیارت آن حضرت می باشد

این حکایت به تفصیل در کتاب النجم الثاقب مرحوم نوری نقل شده است که ما به اختصار آن را نقل می کنیم
الحکایة الحادیة والثلاثون :

قضية الصالح الصفي التقي الحاج علي البغدادي الموجود حالياً في وقت تأليف هذا الكتاب ووقَّه الله ، وهي تناسب الحکایة السابقة ، ولو لم يكن في هذا الكتاب الشريف إلا هذه الحکایة المتقنة الصحيحة التي فيها فوائد كثيرة ، وقد حدثت في وقت قريب ، لكفت في شرفه ونفاسته .

في شهر رجب السنة الماضية كنت مشغولاً بتأليف رسالة جنة المأوى فعزمت

على السفر إلى النجف الأشرف لزيارة المبعث ، فجئت الكاظمين ووصلت بخدمة جناب العالم العامل والفقیه الكامل السيد السند والحبر المعتمد الآقا السيد محمد ابن العالم الأوحى السيد احمد ابن العالم الجليل والدوحة النبيل السيد حيدر الكاظميني أيده الله وهو من تلامذة خاتم المجتهدين وفخر الاسلام والمسلمين الأستاذ الأعظم

الشيخ مرتضى أعلى الله تعالى مقامه ، ومن أتقياء علماء تلك البلدة الشريفة ، ومن صلحاء أئمة جماعة الصحن والحرم الشريف ، وكان ملاذاً للطلاب والغرباء والزوار ، وأبوه وجدّه من العلماء المعروفين ، وما زالت تصانيف جدّه سيد حيدر في الأصول والفقه وغيرهما موجودة .

فسألته إذا كان رأى أو سمع حكاية صحيحة في هذا الباب أن ينقلها ، فنقل هذه القضية ، وكنت قد سبقتها سابقاً ولكّني لم أضبط أصلها وسندها فطلبت منه أن يكتبها بخطّ يده . فقال : سمعتها من مدّة وأخاف أن أزيد فيها أو أنقص ، فعليّ أن ألتقي به واسئله ومن ثمّ اكتبها ، ولكن اللقاء به والأخذ منه صعب فأنه من حين وقوع هذه القضية قلّ أنسه بالناس وسكناه في بغداد وعندما يأتي للتشرّف بالزيارة فأنه لا يذهب إلى مكان ويرجع بعد أن يقضي وطراً من الزيارة ، فيتفق أن لا أراه في السنة الأ مرّة أو مرّتين في الطريق ، وعلى ذلك فإنّ مبناه على الكتمان الآ على بعض الخواص ممن يأمن منه الافشاء والإذاعة خوف استهزاء المخالفين المجاورين المنكرين ولادة المهدي عليه السلام وغيبته ، وخوفاً من أن ينسبه العوام إلى الفخر وتنزيه النفس .

قلت : أنّي أطلب منك أن تراه مهما كان وتسأله عن هذه القضية إلى حين رجوعي من النجف ، فالحاجة كبيرة والوقت ضيق . ففارقته لساعتين أو ثلاث ثمّ رجع اليّ وقال : من أعجب القضايا أنّي عندما ذهبت إلى منزلي جائي شخص مباشرة وقال جاؤوا بجنّازة من بغداد ووضعوها في الصحن الشريف وينتظرونك للصلاة عليها . فقامت وذهبت وصلّيت فرأيت الحاج المذكور بين المشيّعين فأخذته جانباً ، وبعد امتناعه سمعت هذه القضية ، فشكرت الله على هذه النعمة السنية ، فكتبت القصة بكاملها وثبّتها في جنة المأوى .

اجتمع في ذمّتي ثمانون تومانا من مال الإمام عليه السلام فذهبت إلى النجف الأشرف فأعطيت عشرين تومانا منه لجناب علم الهدى والتقى الشيخ مرتضى أعلى الله مقامه وعشرين تومانا إلى جناب الشيخ محمد حسين المجتهد الكاظميني وعشرين تومانا لجناب الشيخ محمد حسن الشروقي وبقي في ذمّتي عشرون تومانا ، كان في قصدي أن أعطيها إلى جناب الشيخ محمد حسن الكاظميني آل ياسيني أيده الله عند رجوعي . فعندما رجعت إلى بغداد كنت راغباً في التعجيل بأداء ما بقي في ذمّتي ، فتشرّفت في يوم الخميس بزيارة الامامين الهمامين الكاظمين عليهما السلام وبعد ذلك ذهبت إلى خدمة جناب الشيخ سلّمه الله وأعطيته مقداراً من العشرين تومانا

وواعدته بأني سوف أعطي الباقي بعد ما أبيع بعض الأشياء تدريجياً ، وأن يجيزني أن أوصله إلى أهله ، وعزمت على الرجوع إلى بغداد في عصر ذلك اليوم ، وطلب جناب الشيخ مّني أن أتأخر فاعتذرت بأن علي أن أوفي عمّال النسيج أجورهم ، فأنه كان من المرسوم أن أسلمّ أجرة الأسبوع عصر الخميس ، فرجعت وبعد أن قطعت ثلث الطريق تقريباً رأيت سيداً جليلاً قادماً من بغداد من أمامي ، فعندما قرب مّني سلّم عليّ وأخذ بيدي مصافحاً ومعانقاً وقال : أهلاً وسهلاً وضممني إلى صدره وعانقني وقبّلني وقبّلته ، وكانت على رأسه عمامة خضراء مضيئة مزهرة ، وفي خدّه المبارك خال أسود كبير ، فوقف وقال : حاج علي على خير ، على خير ، أين تذهب ؟ قلت : زرت الكاظمين عليهما السلام وأرجع إلى بغداد . قال : هذه الليلة ليلة الجمعة فارجع . قلت : يا سيدي لا أتمكّن . فقال : في وسعك ذلك ، فارجع حتى أشهد لك بأنك من موالى جدّي أمير المؤمنين عليه السلام ومن موالينا ، ويشهد لك الشيخ كذلك ، فقد قال تعالى : { واستشهدوا شهيدين } وكان ذلك منه إشارة إلى مطلب كان في ذهني أن ألتمس من جناب الشيخ أن يكتب لي شهادة بأنّي من موالى أهل البيت عليه السلام لأضعها في كفني .

فقلت : أي شيء تعرفه ، وكيف تشهد لي ؟ قال : من يوصل حقّه إليه ، كيف لا يعرف من أوصله ؟

قلت : أي حق ؟ قال : ذلك الذي أوصلته إلى وكيلي . قلت : من هو وكيلك . قال : الشيخ محمد حسن . قلت : وكيلك ؟ قال : وكيلي . وكان قد قال لجناب الآقا السيد محمد ، وكان قد خطر في ذهني ان هذا السيد الجليل يدعوني باسمي مع أنّي لا أعرفه ، فقلت في نفسي لعلّه يعرفني وأنا نسيته . ثمّ قلت في نفسي أيضاً : انّ هذا السيد يريد مّني شيئاً من حقّ السادة ، وأحببت أن أوصل إليه شيئاً من مال الإمام عليه السلام الذي عندي .

فقلت : يا سيد بقي عندي شيء من حقّكم فرجعت في أمره إلى جناب الشيخ محمد حسن لأؤدّي حقّكم يعني السادات بأذنه . فتبسّم في وجهي وقال : نعم قد أوصلت بعضاً من حقّنا إلى وكلائنا في النجف الأشرف .

فقلت : هل قبل ذلك الذي أدّيته ؟ فقال : نعم . خطر في ذهني أن هذا السيد يقول بالنسبة إلى العلماء الأعلام (وكلائنا) فاستعظمت ذلك ، فقلت : العلماء وكلاء في قبض حقوق السادات وغفلت . ثم قال : ارجع زُر جدّي . فرجعت وكانت يده اليمنى بيدي اليسرى فعندما سرنا رأيت في جانبنا الأيمن نهراً مائياً أبيض صاف جار ، وأشجار

الليمون والنانج والرمان والعنب وغيرها كلها مثمرة في وقت واحد مع أنه لم يكن موسمها ، وقد تدلت فوق رؤوسنا . قلت : ما هذا النهر وما هذه الأشجار ؟ قال : انها تكون مع كل من يزورنا ويزور جدنا من موالينا الى أن قال الحاج على البغدادي: قال لي ذلك السيد : هل تزور جدّي الحسين عليه السلام ؟ قلت : نعم أزوره فهذه ليلة الجمعة .

فقرأ زيارة وارث ، وقد فرغ المؤذنون من اذان المغرب ، فقال لي : صلّ والتحق بالجماعة ، فجاء إلى المسجد الذي يقع خلف الحرم المطهر وكانت الجماعة قد انعقدت هناك ، ووقف هو منفرداً في الجانب الأيمن لإمام الجماعة محاذياً له ، ودخلت أنا في الصفّ الأول حيث وجدت مكاناً لي هناك . فعندما انتهيت لم أجدّه

ميرزا حسين النوري الطبرسي، الوفاة : ١٣٢٠، النجم الثاقب ج٢ ص١٦٠ تحقيق : السيد ياسين الموسوي چاپ اول، الناشر : أنوار الهدى ١٤١٥

محدث نوری می فرمایند:

حکایت سی ویکم

حکایت مرد صالح و پاک و متقی حاج علی بغدادی می باشد، که الان و در زمان تالیف این کتاب زنده می باشد ، و اگر نباشد جز همین یک حکایت صحیح که فوائد زیادی دارد و در زمان نزدیک اتفاق افتاده است، برای شرافت و نفیس بودن این کتاب کفایت می کند. در ماه رجب سال گذشته که مشغول تالیف کتاب جنة الماوی بودم تصمیم گرفتم به نجف اشرف برای زیارت مبعث بروم، پس به کاظمین امدم و به خدمت عالم عامل و شخص مورد اعتماد سیدمحمد کاظمینی که از شاگردان شیخ اعظم می باشد رسیدم که از باتقواترین اشخاص آن شهر ب و از صالحترین ائمه ی جماعات صحن و حرم شریف وبد وهمیشه همراه طلاب و غریبان و زائران بودند و پدر وجدش از علمای معروف می باشند و پیوسته کتابهای جدشان در علوم اصول و فقه و غیره موجود می باشند. پس از سید محمد کاظمینی پرسیدم: اگر حکایت صحیحی در باره دیدار امام زمان «علیه السلام» شنیده است برای ما نقل کنند پس ایشان حکایت حاج علی بغدادی را نقل کرد ، گرچه من این حکایت را شنیده بودم ولی چون

آن را نوشته بودم از سید کاظمینی خواستم خودش با خط خودش این حکایت را برای من بنویسد، پس سید محمد کاظمینی گفت: من این داستان را خیلی مدت پیش شنیدم و می ترسم چیزی به آن اضافه یا از آن کم کنم، پس باید با حاج علی بغدادی دیدار کنم تا از او بپرسم و این حکایت را بنویسم، واز جهتی دیدن حاج علی بغدادی سخت می باشد، چون او از زمانی که این قضیه برای او واقع شد، کم در بین مردم و بغداد ظاهر می شود، و وقتی برای زیارت می آید به هیچ جایی نمی رود و بعد از اینکه زیارت را تمام میکند برمی گردد، پس در سال او را بیشتر از یکی دو بار نمی بینم، برای همین حاج علی بغدادی همیشه این حکایت را کتمان می کند مگر برای بعضی از خواص، زیرا می ترسد که مخالفین وقتی این حکایت را بشنوند او را مسخره کنند یا می ترسد از اینکه بعضی عوام به اون نسبت بدهند که می خواهد افتخار کند و خود را پاک جلوه دهد محدث نوری می گوید: پس من به سید عرض کردم که من از شما می خواهم هر طور شده حاج علی بغدادی را ببینید و این حکایت را تا قبل از برگشتم از نجف از ایشان بپرسید، زیرا به این داستان نیاز دارم و وقت کمی دارم پس دو ساعت از سید محمد کاظمینی جدا شدم، و بعد از آن سید محمد کاظمینی به سمت من آمد وگفت: از عجیب ترین قضایا این است که وقتی من به خانه خودم رفتم مردی آمد و گفت جنازه ی را از بغداد آوردند و آن را در صحن شریف گذاشتند و می خواهند شما بر آن نماز بخوانید پس رفتم و بر میت نماز خواندم در آنجا بود که حاج علی بغدادی را دیدم و او را به گوشه ی بردم و این داستان را از صحبت های او نوشتم

سپس محدث نوری می گوید من این داستان را در کتاب جنة الماوي نقل کردم:

هشتاد تومان سهم امام به گردنم بود و لذا به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن پول را به جناب «شیخ مرتضی» دادم و بیست تومان دیگر را به جناب «شیخ محمدحسن مجتهد کاظمینی» و بیست تومان به جناب «شیخ محمدحسن شروقی» دادم و تنها بیست تومان دیگر به گردنم باقی بود، که قصد داشتم وقتی به بغداد برگشتم به «شیخ محمدحسن کاظمینی آل یس» بدهم و مایل بودم که وقتی به بغداد رسیدم، در ادای آن عجله کنم. در روز پنجشنبه ای بود که به کاظمین به زیارت حضرت موسی بن جعفر و حضرت امام محمدتقی «علیهماالسلام» رفتم و خدمت جناب «شیخ محمدحسن کاظمینی آل یس» رسیدم و مقداری از آن بیست

تومان را دادم و بقیه را وعده کردم که بعد از فروش اجناس به تدریج هنگامی که به من حواله کردند، بدهم. و بعد همان روز پنجشنبه عصر به قصد بغداد حرکت کردم، ولی جناب شیخ خواهش کرد که بمانم، عذر خواستم و گفتم: باید مزد کارگران کارخانه شُعبافی را بدهم، چون رسم چنین بود که مزد تمام هفته را در شب جمعه می‌دادم.

لذا به طرف بغداد حرکت کردم، وقتی یک سوم راه را رفتم سید بزرگواری را دیدم، که از طرف بغداد رو به من می‌آید چون نزدیک شد، سلام کرد و دست‌های خود را برای مصافحه و معانقه با من گشود و فرمود: «اهلاً و سهلاً» و مرا در بغل گرفت و معانقه کردیم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم. بر سر عمامه سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود.

ایستاد و فرمود: «حاج علی! به کجا می‌روی؟ گفتم: کاظمین «علیهماالسلام» را زیارت کردم و به بغداد برمی‌گردم.

فرمود: امشب شب جمعه است، برگرد. گفتم: یا سیدی! متمکن نیستم. فرمود: «هستی! برگرد تا شهادت دهم برای تو که از موالیان (دوستان) جد من امیرالمؤمنین «علیهالسلام» و از موالیان مایی و شیخ شهادت دهد، زیرا که خدای تعالی امر فرموده که دو شاهد بگیری. این مطلب اشاره‌ای بود، به آنچه من در دل نیت کرده بودم، که وقتی جناب شیخ را دیدم، از او تقاضا کنم که چیزی بنویسد و در آن شهادت دهد که من از دوستان و موالیان اهل بیتم و آن را در کفن خود بگذارم. گفتم: تو چه می‌دانی و چگونه شهادت می‌دهی؟! فرمود: «کسی که حق او را به او می‌رسانند، چگونه آن رساننده را نمی‌شناسد؟ گفتم: چه حقی؟ فرمود: «آنچه به وکلای من رساندی گفتم: وکلای شما کیست؟ فرمود: «شیخ محمدحسن» گفتم: او وکیل شما است؟! فرمود: «وکیل من است». اینجا در خاطر من خطور کرد که این سید جلیل که مرا به اسم صدا زد با آن که مرا نمی‌شناخت کیست؟

باز با خودم گفتم: حتماً این سید از !به خودم جواب دادم، شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کرده‌ام لذا به او. سهم سادات از من چیزی می‌خواهد و خوش داشتم از سهم امام (علیهالسلام) به او چیزی بدهم

گفتم: از حق شما پولی نزد من بود که به آقای شیخ محمدحسن مراجعه کردم و باید با اجازه او چیزی به او به روی من تبسمی کرد و فرمود: «بله بعضی از حقوق ما را به وکلای ما در نجف رساندی». دیگران بدهم گفتم: آنچه را داده‌ام قبول است؟ فرمود: «بله» من با خودم گفتم: این سید کیست که علماء اعلام را وکیل سپس به من خود می‌داند و تعجب کردم! با خود گفتم: البته علما در گرفتن سهم سادات وکیل هستند فرمود: «برگرد و جدم را زیارت کن» من برگشتم او دست چپ مرا در دست راست خود نگه داشته بود و با هم قدم زنان به طرف کاظمین می‌رفتیم. چون به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب صاف سفیدی جاری است و درختان مرکبات لیمو و نارنج و انار و انگور و غیر آن همه با میوه، آن هم در وقتی که موسم آنها نبود بر سر ما سایه انداخته‌اند گفتم: این نهر و این درخت‌ها چیست؟ فرمود: «هر کس از دوستان که جد ما را زیارت کند و زیارت کند ما را، اینها با او هست» تا اینکه حاج علی بغدادی گفت: آقا به من فرمودند: آیا مایلی جدم حسین بن علی «علیهماالسلام» را هم زیارت کنی؟ گفتم: بله شب جمعه است زیارت می‌کنم. آقا برایم زیارت وارث را خواندند، در این وقت مؤذن‌ها از اذان مغرب فارغ شدند. به من فرمودند: «به جماعت ملحق شو و نماز بخوان» ما با هم به مسجدی که پشت سر قبر مقدس است رفتیم آنجا نماز جماعت اقامه شده بود، خود ایشان فرادا در طرف راست امام جماعت مشغول نماز شد و من در صف اول ایستادم و نماز خواندم، وقتی نمازم تمام شد، نگاه کردم دیدم او نیست با عجله از مسجد بیرون آمدم و در میان حرم گشتم، او را ندیدم.

نتیجه

با توجه به تعداد زیاد روایت در باب فضیلت زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام واهتمام ویژه ی اهل بیت علیهم السلام به این امر به روشنی فهمیده می شود که زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام اگر واجب نباشد، بدون شک مستحب موکد است، همچنین کثرت روایات در این باب، ما را از بحث سندی بی نیاز می کند.

موفق باشید...

